The first scientific/juridical publication
Islamic Azad University,Rafsanjan branch

Issue No. 12 - Summer 2026

The Fundamental Research In Law

The Fundamental Researches in Law

Possibility of compensating losses arising from indirect losses through the definition of state financial resources

Soheil Ravaghi Ardabili[1], Nejad Ali Almasi*[2], Seyed Mehdi Mirdadashi[3]

Recieved:2026/03/09 Accepted: 2026/05/20 Publicated: 2026/09/05

Abstract:

Introduction: The main philosophy of tort liability is compensation of damages and the restoration of damage status before occurrence of the accident. Sometimes, different interpretations of the legal material restrict the full compensation of damage to the injured party. In addition to him, the incidence of damage has a direct negative effect on family and family economy. In this case, the subject of complete compensation, which is interpreted as «indirect causation» or « indirect detriment», is essential in this paper. Compensation of such damage caused by indirect damages to the person or his survivors is always a challenging issue in the judicial authorities. The traditional attitude in liability has caused a direct relationship between the cause of losses and the occurrence of damage to damage in some cases, so that there is not enough attention to compensate the damages. while in 1240 article of French national code in liability of torts and also in articles five and six of civil liability law , it has been emphasized in fact the complete compensation of damages with defects in body , reduced labor or increased cost of life.Methodology: This research is based on library sources and using a descriptive-analytical method.Results and Conclusion: The complete compensation of damages due to the valid jurisprudential rules, as well as article five and six of liability for damage compensation (objective compensation) by definition of financial sources from the public treasury or special fund such as provision of housing, training and education of survivors by resorting to Islamic rules and international law of justice and equity especially in the verdicts issued by judicial authorities in realization of civil liability.

keyword: Blood money excess, Civil liability compensation, Indirect losses, Public funds.

1. Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
Email :soheil.ravaghi@gmail.com
2. Department of Law, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran(corresponding author) Email : prof.nejadalialmasi@gmail.com
3. Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
Email : mirdadashim@yahoo.com

پژوهش های بنیادین در حقوق
اولین نشریه علمی/حقوقی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان
شماره دوازدهم _ تابستان ۱۴۰۵
FRL
The Fundamental Researches in Law

امکان سنجی جبران خسارات ناشی از ضرر غیرمستقیم از طریق تعریف منابع مالی دولتی

سهیل رواقی اردبیلی[۱]،نجادعلی الماسی*[۲]،سید مهدی میرداداشی[۳]

دریافت:۱۴۰٤/۱۲/۱۸ پذیرش:۱٤۰۵/۰۲/۳۰ چاپ:۱٤۰۵/٦/۱۵

چکیده:

زمینه و هدف: هدف بنیادین مسئولیت مدنی، جبران کامل خسارت و اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از وقوع ضرر است؛ با این حال، تفسیرهای محدودکننده از برخی مقررات قانونی، به‌ویژه در تحلیل رابطه سببیت، در عمل مانع تحقق کامل این هدف شده است. یکی از مهم‌ترین نمودهای این چالش، عدم شناسایی یا جبران ناکافی خسارات ناشی از «ضرر غیرمستقیم» است که با وجود آثار عینی و گاه گسترده بر زیان‌دیده و پیرامون او، در رویه قضایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، تحولات نوین در برخی نظام‌های حقوقی بر لزوم بازنگری در این رویکرد و پذیرش جبران کامل خسارات، حتی فراتر از زیان مستقیم، تأکید دارند.

روش: این پژوهش با رویکردی توصیفی–تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به بررسی مبانی نظری و حقوقی موضوع پرداخته است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که طراحی ساز و کارهای مالی عمومی، از جمله ایجاد صندوق‌های جبران خسارت، می‌تواند به‌عنوان راهکاری مکمل در کنار نظام مسئولیت مدنی، زمینه تحقق جبران کامل خسارات را فراهم آورد. این رویکرد، که در برخی تجارب بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، با تقویت حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان، توزیع عادلانه‌تر بار زیان و کاهش پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از ضرر غیرمستقیم، می‌تواند به ارتقاء کارکرد عدالت‌محور مسئولیت مدنی در نظام حقوقی کمک نماید.

کلید واژه‌ها: بیت‌المال، جبران خسارات، ضرر غیرمستقیم، عدالت توزیعی، مازاد دیه، مسئولیت مدنی.

۱. گروه حقوق،واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران soheil.ravaghi@gmail.com
۲. گروه حقوق ، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ایران(نویسنده مسئول) prof.nejadalialmasi@gmail.com
۳. گروه حقوق،واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران mirdadashim@yahoo.com

مقدمه

زندگی اجتماعی و روابط درهم تنیده شده افراد با یکدیگر به واسطه قرارداد یا خارج از قرارداد به دلایل قهری، ازجمله موضوعاتی است که برای افراد سبب ایجاد حق می‌نماید. احقاق این حق، به عناصر زیادی و از همه مهم‌تر به قابل انتساب بودن ضرر ایجاد شده به فرد متضرر از طرف فرد مقصر بستگی دارد. موضوع تا بدین جا ظاهرا ساده می‌نماید ولی پیچیدگی و ابهام آمیز بودن این انتساب، زمانی خود را نشان می‌دهد که افرادی دیگر (متضرر از خسارت) به نحو مستقیم یا غیرمستقیم در موضوع دخیل بوده باشند. اما از این نیز مهم‌تر، نحوه رسیدگی، تصمیم گیری مرجع قضایی و اتخاذ سیاست رسیدگی به موضوع جهت روشن شدن ابعاد قضیه نقش اساسی خواهد داشت.

عدم توجه نهادها و سازمان‌های مسئول در مقام وضع قوانین و بهبود آنها متناسب با زمان و بروز حوادث ناگوار منجر به فوت یا خسارت بدنی از باب بروز تقصیر و متعاقبا تاثیر آن بر افراد از جمله مواردی است که به دلیل تحقق تقصیر، دولت به عنوان متولی سازمان‌ها و نهادهای تحت تابعه خود مسئول جبران خسارت می‌باشد. بروز اتفاقات ناشی از حوادث بالاخص در حوزه کار تحت شمول بیمه‌های تامین اجتماعی که منجر به فوت یا از کارافتادگی کارگران می‌گردد سبب محدودیت در هزینه‌های زندگی بالاخص برای بازماندگان و افراد تحت تکفل می‌گردد.

حاکمیت در مقام اعم و دولت در معنای اخص به دلیل محدودیت در بودجه‌های جاری و عمومی کشور و همچنین شرع مقدس در مقام تعیین دیه‌ها، عملا رغبتی به جبران خسارت مادی بیشتر از آنچه بدان تاکید شده است ندارد. اما با تغییر نگرش از زاویه اشخاص متضرر و خسارت‌دیده و از جایگاه انصاف ، می‌توان حاکمیت و دولت را به تغییر نگرش در جبران خسارت مادی مازاد، ملزم نمود. چرا که هدف حقوق عمومی تامین منافع عمومی می‌باشد.

بروز خسارات بر زیان‌دیده علاوه بر تحت تاثیر قراردادن شخص وی، بر خانواده و یا بازماندگان وی نیز تاثیر مستقیم می‌گذارد. این تاثیر در بیشتر موارد بصورت غیرمتعارف بوده بطوریکه اگر این خسارت وارد نمی‌گردید، تاثیرات (منفی) نیز محقق نمی‌گردید. به عبارتی موجب تاثیر بر حقوق مکتسبه فرد زیان‌دیده به سبب نقص در بدن یا کاهش و یا از بین رفتن قوه کار و افزایش مخارج زندگی می‌گردد. تفسیر موسع به نفع عامل زیان با استناد به قاعده فقهی اصل عدم زیاده از یک طرف و از طرف دیگر لزوم رعایت قواعد فقهی دیگری چون لاضرر، تسبیب ، نفی عسر و حرج به نفع زیان‌دیده، موجب سردرگمی مقنن و مراجع قضایی در صدور رای منصفانه و عادلانه گردیده است. قانون

کلی و مترقی مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در جبران خسارات در ماده دو که رفتار موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده را مستوجب جبران قرار داده است منطبق بر اصول عدالت و منصفانه می‌باشد. از طرفی قانونگذار در تبصره دو ماده ١٤ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بالاخص با حذف عبارت «هزینه‌های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد، مطابق نظر کارشناس یا بر اساس ادله، قابل مطالبه» در پیش‌نویس ماده مربوطه، عملا با تفسیر مضیق از منافع ممکن‌الحصول محدودیت‌هایی در جبران خسارات به توسط مراجع قضایی را موجب گردیده است. نویسندگان، به دلیل عدم پیشینه علمی و تحقیقی موضوع، با دقت در شناسایی این امر به جهت توجه جامعه حقوقی کشور، نسبت به آسیب‌شناسی و نگارش این مقاله برآمدند. این پژوهش، نه صرفاً تحلیل مسئولیت مدنی، بلکه بررسی ظرفیت‌های دولت در جبران خسارات غیرمستقیم از طریق منابع مالی عمومی، با واکاوی چالش‌های جبران خسارت در ایران و بهره‌گیری از تجارب و الگوهای نظام‌های پیش‌رو، راهکاری عملیاتی برای منابع مالی دولتی ارائه دهد

۱. جبران خسارت از دیدگاه مسئولیت مدنی

برای پرداختن به موضوع جبران خسارت، باید از دریچه مسئولیت مدنی به موضوع نگریسته شود. هر چند جبران خسارت (بدنی) بصورت دیه در قانون مجازات اسلامی‌از صدر اسلام نیز تاکید شده است ولی به اقتضای تغییر در ساختار سیاسی- اجتماعی، رفع ابهام و سلایق شخصی در تفسیر قانون در محاکم قضایی، تغییر رویه لازم و ضروری است.

در تعریف ادبیات فارسی «مسئولیت» عبارتست از آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد[۱]. اما این تعریف صرفا یک تعریف کلی بوده و مصادیق حقوقی منجمله مسئولیت‌های ناشی از قرارداد و خارج از قرارداد را در بر نمی‌گیرد. علاوه بر این، می‌توان به بحث در مبحث اول از باب دوم قانون مدنی با نام ضمان به عنوان مسبب ناشی از فعل ضرر رساننده اشاره نمود. جایی که در آن با انکار آنچه در ید وی به واسطه یکی از عقود معین یا امانت یا . . . بوده باشد ضامن (در حکم غاصب) دانسته است. [۲] بنابراین «واژه ضمان در حقوق ما در برابر این واژه بیشتر به کار می‌رود. ولی موارد استعمال ضمان اوسع است مثلا در

۱- – عمید، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر. ص ۱۰۸۲.

۲- –ماده۳۱۰ قانون مدنی: اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آن‌ها در دست اوست منکر گردد از تاریخ انکار در حکم غاصب است.

ضمان عقدی و ضمان معاوضی نمی‌توان واژه مسئولیت را به کار برد. مسئولیت رابطه‌ای حقوقی است که ناشی از فعل یا ترک زیان‌آور باشد. این رابطه ایفای تعهد مسئول و یا اجرای کیفر درباره او زائل می‌گردد. عدوان عنصر مشترک مسئولیت‌های مدنی و کیفری است.»[۱] ازاین رو علیرغم اینکه مباحث غصب، اتلاف و استیفاء در زیرمجموعه مسئولیت قرار می‌گیرند ولی به جهت اینکه در بیشتر موارد ارتباط چندانی با موضوع مسئولیت به استثناء تسبیب دراین تحقیق ندارند از ورود به آنها حذر می‌شود.

۲. خسارت

در لغت‌نامه فارسی «خسارت به معنی ضرر کردن ، زیان بردن، زیان دیدن» تعریف شده است[۲]. در حقوق در دو تعریف «مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود ب: زیان وارد شده را هم خسارت می‌گویند. برای صدق مفهوم خسارت باید تجاوز به مال غیر (مستقیما یا غیرمستقیم) صورت گرفته باشد.»[۳] در صورتیکه در تخلف یا ایراد ضرر، قصدی وجود داشته باشد خسارت حقیقی و در صورت عدم قصد تخلف به خسارت حکمی تعبیر می‌شود که قانونگذار آن را در حکم خسارت دانسته است به مانند مواد ۵۲، ۱۰۰، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۷۳، ۳۳۳، ۳۳٤، ۵۵۸، ٦۳۹، ٦٦٦، ٦٦۹، ٦۷۳، ۱۰۳۵، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲٤۷و ۱۳۳۵ از قانون مدنی. پس آنچه که با مراجعه به مواد قانونی فوق بدان می‌توان دست یافت این است که هرگونه خسارتی اعم از قراردادی یا غیرقراردادی بالاخص غیرقردادی با دامنه بیشتر را که به متضرر وارد گردد را می‌توان جبران نمود.

۳. قانون مسئولیت مدنی

توجه قانونگذار به واژگانی چون عمد، بی‌احتیاطی، ضرر مادی و معنوی، مسئول جبران خسارت، میزان خسارت ، آسیب وارده به بدن یا سلامتی، نقص در بدن یا سلامتی، تاثیر در قوه کار، افزایش مخارج زندگی، حیثیت ، اعتبار شخصی یا خانوادگی، نشانگر تاکید امنیت جانی و مالی افراد به واسطه ضرر یا خسارتی است که از فعل یا ترک فعلی صورت گرفته باشد. به تبع نتیجه حاصل از رفتار به عمد یا غیرعمد مرتکب، که همان ضرر به فرد متضرر می‌باشد صرفا از دیدگاه مدنی (نه کیفری) آن دراین قانون مورد تاکید قرار گرفته است.

۱- – جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۵). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلدهای ۲، ۴، ۵. تهران: انتشارات گنج دانش، صص ۳۳۲۴- ۳۳۲۵.

۲- – عمید، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر. ص ۵۵۴.

۳- – جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش. ص ۲۶۰.

٤. ضرر و ماهیت آن

با توجه به ماهیت اساسی جبران خسارت در مسئولیت مدنی، باید ضرر را از ارکان اصلی آن محسوب نمود. به عبارتی آنچه جبران خسارت را میسر می‌نماید وقوع ضرر به متضرر یا خسارت‌دیده می‌باشد. در مستقیم یا غیرمستقیم بودن ضرر مباحث متعددی مشاهده شده و بیشتر به موضوع «ضرر مستقیم» پرداخته شده است. ولی به آثار ناشی از «ضرر غیرمستقیم» که در این تحقیق بدان «سببیت غیرمستقیم» هم اطلاق می‌شود توجه زیادی نشده است. اگر قائل به جبران خسارت بر زیان‌دیده باشیم چه تفاوتی در ضرر مستقیم یا ضرر غیرمستقیم وجود خواهد داشت؟ زیرا در تعریف ضرر به نقل از کتاب «القواعد الفقهیه» گفته می‌شود: «حاصل آنکه لفظ ضرر دارای مفهومی واضح نزد عرف است، به گونه‌ای که هیچ تفسیر و شرحی روشن‌تر از خود آن نیست و اینگونه مفاهیم قابل تعریف حقیقی نیستند و هرچه در شرح آنها گفته شود تعریف لفظی است که پنهان‌تر از خود آن است»[1] به عبارتی با مشاهده این تعریف می‌توان دامنه ضرر را بالاخص در خصوص ضرر غیرمستقیم نیز که مورد ابهام در جبران خسارت است افزایش داده و بر جبران آن توجه نمود. همچنین به تاکید در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز «باید در نظر داشت که در اختلافات تجاری، عدم‌النفع که گاهی اوقات، زیان تبعی نامیده می‌شود، منفعتی است که اگر قرارداد به درستی انجام می‌شد، معمولا به طرف زیاندیده تعلق می‌گرفت. این منفعت اغلب نامشخص بوده و بطوریکه اغلب به شکل از دست دادن یک فرصت ظاهر می‌شود. امکان مطالبه عدم‌النفع حسب مورد ، امروزه نه تنها مورد پذیرش نظام‌های حقوقی بزرگ همچون کامن‌لا و رومی-ژرمنی قرار گرفته ، بلکه به مسئله‌ای پذیرفته شده در حقوق تجارت بین الملل و اسناد بین المللی مرتبط با آن همچون کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول حاکم بر قراردادهای بین المللی با احراز شرایط خاص تبدیل شده است.»[2] در بحث آتی، به دلیل ایجاد حقوق مکتسبه برای زیان‌دیدگان بصورت غیرمستقیم، به موضوع اصولی «مقتضی و مانع»، موثر در فهم موضوع پرداخته می‌شود.

۱- – صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش. ص ۸۶.

۲- – مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری. (۱۴۰۳). عدم‌النفع و شروط سه‌گانه مرتبط با تحقق آن. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.ص ۱۰۵.

۵. مقتضی و مانع

آنچه در بحث جبران ضرر غیرمستقیم بدان باید توجه شود موضوع تحقق مقتضی است. «منافعی که شان و مقتضای آن‌ها این است که عادتا حاصل می‌گردند نیز ضرر نامیده می‌شوند.»[۱] منظور از «مقتضی» عامل و سببی است که در پیدایش یک چیز دخالت دارد. «منظور از مقتضی این است که ببینیم مقدار قابلیت و استعداد بقای موضوع تا چه اندازه است. منظور از «رافع» این است که با فرض اقتضای بقا و استعداد و قابلیت دوام موضوعی، در بقا و دوام آن تردید حاصل شود. چون احتمال دارد که چیزی به آن اقتضاء و استعداد خاتمه داده باشد.»[۲] به اقتضای بحث از باب مقتضی، تعریف دیگری از عدم‌النفع ارایه می‌شود. عدم‌النفع، محرومیت از یک نفع احتمالی است؛ بدین گونه که عمل عامل زیان مانع افزایش دارائی زیان‌دیده شود. به عبارتی «عدم‌النفع ؛ ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی آن حاصل شده است. مانند توقیف غیرقانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده است.»[۳] هر چند در این خصوص هم در مراجع قضایی با اطلاق عنوان «عدم‌النفع» به استناد تبصره دو ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی اختلاف نظر شدیدی در مطالبه حق بر زیان‌دیده مشاهده می‌شود. در همین راستا نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه[۴] عنوان می‌کند که «منافع ممکن‌الحصول، منافعی هستند که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد. این گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند و چنانچه کسی آن را تلف کند یا باعث تفویت آن شود، باید خسارت ناشی از اقدام خود را جبران کند» همچنین «منافع ممکن‌الحصول بر خلاف منافع تفویت شده در زمره ضررهای آینده محسوب می‌شوند که در صورت جمع سایر ارکان مسئولیت مدنی حکم به جبران آن صادر می‌شود»[۵] با این تفاسیر تحقق جبران خسارت با عنوان ضرر غیرمستقیم به دلیل ایجاد اقتضای آن و عدم مانع، با فلسفه مسئولیت مدنی قابل تحقق و منطبق بر عدالت و انصاف خواهد بود.

٦. سببیت

«سببیت یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در مسئولیت مدنی است. برخی حقوقدانان به آن وصف سرچشمه پایان‌ناپذیر گمانه‌زنی‌ها داده‌اند... باید به این نکته اساسی توجه داشت

۱- – میرشکاری، عباس. (۱۴۰۲). رساله عملی در مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی‌انتشار. ص ۴۷.
۲- – محمدی، ابوالحسن. (۱۳۹۶). مبانی استنباط حقوق اسلامی. تهران: دانشگاه تهران. ص ۳۳۲.
۳- – میرشکاری، عباس. (۱۴۰۲). رساله عملی در مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی‌انتشار. ص ۴۶.
۴- – نظریه مشورتی ۷/۹۶/۱۹۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۱.
۵- – صادقی زاده، امیر ؛ مقدم، علی. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی ناشی از فوت منافع ممکن الحصول. مجله تحقیقات حقوق بین المللی. ۱۱ (۲)، ۳۲۹-۳۵۲.

که سردرگمی‌ها و دشواری‌هایی که در این بحث به وجود آمده، ناشی از خود مفهوم سببیت یا تعریف آن نیست بلکه مربوط به عنصر سازنده این مفهوم یعنی سبب است»[۱] سببیت تنها حلقه اتصال ضرر (خسارت) و تقصیر مرتکب برای انتساب قصور به وی می‌باشد. چه در این خصوص است که متضرر می‌تواند به زیان‌رساننده جهت جبران خسارت مراجعه کند. اما باید یادآور شد در طول دوره عمر مسئولیت مدنی، نظریه‌های متفاوتی در این خصوص ارایه شده است. اثبات تقصیر بر عهده چه کسی است؟ مقصر یا زیان‌دیده؟ اگر اصل بر عدم بوده باشد اثبات آن بر عهده زیان‌دیده است. اما باید یادآور شد در بیشتر موارد به دلیل شرایط خاص حادثه، امکان اثبات برای وی میسر نیست. در تصادفی که منجر به فوت وی گردیده است چگونه می‌توان بار اثبات را بر عهده متوفی گذاشت؟ شاید عنوان شود که وراث متوفی به عنوان قائم‌مقام، می‌توانند آن را اثبات کنند. اگر پاسخ مثبت باشد زمانی کار پیچیده می‌شود که امکان اثبات به دلیل فقدان ادله اثباتی مانند دوربین مداربسته شهری یا شخصی، شهود و ... موجود نبوده باشد. آیا می‌توان انتظار داشت صرفا بخاطر اصل عدم، خون مسلمان پایمال شود؟ در ادامه بالاخص در تعریف رابطه سببیت غیرمستقیم که از آن به ضرر غیرمستقیم که در حقوق فرانسه حتی در موارد عدم خویشاوندی بین ضرر وارده بر متضرر و خواهان، جبران خسارت تاکید گردیده است پرداخته می‌شود.

٦-١. سببیت مستقیم

در مفهوم عرفی جبران خسارات به نزدیک‌ترین رابطه بین وقوع خسارت و عامل ضرر به فرد زیان‌دیده توجه می‌شود. این امر بالاخص در دیگر قوانین موضوعه با عنوان سبب اقوا از مباشر یا تقدم یک سبب بر اسباب دیگر مطرح شده است. به دلیل تمرکز این تحقیق بر ضرر غیرمستقیم از بحث و بررسی بدان به دلیل گستردگی تحقیق، حذر می‌شود.

٦-٢. سببیت (ضرر) غیرمستقیم

آنچه از آن به سببیت غیرمستقیم تعبیر می‌شود با در نظر گرفتن اثر ایراد شده ناشی از خسارت بر متضرر است. به عبارتی تاثیر فعل زیان‌بار، نه بر زیان‌دیده بلکه آثار ناشی از آن بر عملکرد حرفه‌ای شخص و یا بازماندگان می‌باشد که از آن به ضرر غیرمستقیم نیز تعبیر می‌شود. همین امر در ماده ۱۲٤۰ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱٦[۲] نیز بدان اشاره

۱- - زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت. جلد اول. تهران: انتشارات میزان. ص ۴۹۵.

۲- -هرگاه رفتار فردی موجب ورود خسارت بر دیگری شود، فردی که خسارت ناشی از تقصیر اوست ملزم به جبران آن خواهد بود.

شده است. در این ماده هیچ شرط خاصی وجود ندارد؛ کافی است که شخص خواهان «زیان‌دیده» به شمار آید. «دیوان تمییز فرانسه از سال ۱۹۵۵ به بعد دعاوی خسارت مادی زیان‌دیده غیرمستقیم بدون اینکه رابطه خویشاوندی با متضرر اصلی داشته باشد را هم پذیرفته است. برای مثال به موجب رای ۲۷ فوریه ۱۹۷۰ در دعوای همخوابه (رابطه غیرخویشاوندی) ، وی می‌تواند ضرر غیرمستقیم مادی یا معنوی را مطالبه کند.»[۱] پس با دقت در این موارد می‌توان به یک قاعده مهم و موثر در جبران خسارت در سببیت غیرمستقیم (ضرر غیرمستقیم) با قیود ماده پنج قانون مسئولیت مدنی دست یافت.

۶-۲-۱. ماهیت علت و معلول در ضرر غیرمستقیم

باید قبول کرد آنچه بیشتر به عنوان خسارت در فرض نقص عضو یا فوت زیان‌دیده بر بازماندگان وی وارد و سبب عسر و حرج آنان می‌گردد ماهیت مادی است که در آن علت عبارتست از خسارت وارد شده و معلول عبارتست از تحت تاثیر قرار گرفتن یا عسر و حرج بازماندگان. «در اصطلاح عام، علت عبارتست از موجودی که تحقق یافتن موجود دیگری بدون آن محال است و در اصطلاح خاص عبارتست از موجودی که با وجود آن، تحقق موجود دیگر ضرورت پیدا می‌کند.همچنین علت از همان جهتی که موجود دیگری وابسته به آن است و نسبت به همان موجود «علت» نامیده می‌شود، نه از هر جهت و نسبت به هر موجودی.»[۲] با دقت در این جملات مشابهت نزدیکی بین «علت و معلول» در فلسفه و «مقتضی و مقتضاء» در اصول فقه دیده می‌شود. «اصل علیت» عبارتست از قضیه‌ای که دلالت بر نیازمندی معلول به علت داشته و لازمه آن، معلول بدون علت تحقق ناپذیر باشد. آنچه در بحث مورد تاکید است این است که از علت واحده (خسارت بر زیان‌دیده) جز معلول واحد (عسر و حرج وی یا بازماندگان) صادر نمی‌شود.[۳] باید توجه داشت که «وجود معلول، تنها از علتی صادر می‌شود که دارای همان سنخ از کمالات وجودی در مرتبه عالیتری باشد . هیچ‌گاه معلول از علت هستی بخش که واجد سنخ کمال آن نباشد صادر نخواهد شد.»(همان) بنابراین نه تنها معلول شخصی از دو علت هستی بخش شخصی یا بیشتر صادر نمی‌شود، بلکه یک نوع معلول هم از دو یا چند علت هستی بخش به وجود نمی‌آید. شاید از آنچه گفته شد بهتر بتوان به رابطه سببیت بین آنچه مدنظر است فائق آمده و لزوم جبران خسارت ناشی از وقوع ضرر را تسهیل نمود.

۱- – صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش. ص ۴۵۸.

۲- – مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۶). آموزش فلسفه، جلد دو. تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل. ص ۲۱.

۳- –«الواحد لا یصدر عنه الا الواحد.»

۶-۲-۲. ایجاد رابطه بین علت و معلول در ضرر غیرمستقیم

وقتی رابطه‌ای بین علت و معلول بالاخص مادی صورت می‌گیرد به تبع آن ، آثار آن را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. شاید این استدلال در مسائل مادی (قابل لمس) قابلیت رد داشته باشد. ولی وقتی تاثیر آن بر مسائلی چون اقتصاد و تربیت در خانواده ، احتمال تغییر مسیر از درست به غلط به واسطه سرپرستی ناقص یا عدم سرپرستی در اثر حادثه‌ای در محل کارگاه[۱] صورت بگیرد ، بحث به مسائل مهم‌تری کشیده خواهد شد. تاثیر آن بر نسل‌های آتی موضوعی است که در صورت عدم حمایت قانونی و صرفا تکیه بر ماده قانونی سوال برانگیز[۲] قابل توجیه نخواهد بود. چرا که هدف از تدوین قوانین، توجه به جنبه حمایتی بودن آن‌ها می‌باشد نه رفع تکلیف.[۳]

۷. اصل جبران کامل خسارات

آنچه در اصول حقوقی و تفسیر آن آموخته شده این است که قانونگذار صرفا استثناهای مد نظر خود را در تصویب قوانین خاطر نشان می‌نماید. برای نمونه در بحث غصب، آنچه باعث زیادتی غاصب از مال مغصوبه می‌گردد وی مستحق قیمت زیادتی نمی‌باشد.[۴] این استثناء در تبصره سه ماده هشت قانون بیمه اجباری خسارات وارده بر اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ با لحاظ حداکثر میزان خسارت به وسیله نقلیه به اندازه کمتر از ۵۰٪ سقف تعهدات بدنی، احتمالا به دلیل اختلاف طبقاتی و کاهش توان جبران خسارات به توسط قشر متوسط مشاهده می‌شود. «اصل جبران کامل خسارت، گاهی به سبب توافق عامل زیان و زیان‌دیده نقض می‌شود. در مسئولیت قهری، توافق برای عدم مسئولیت یا تحدید آن به نظر می‌رسد که مغایر نظم عمومی‌است، چون تکلیف به احتیاط و مراقبت باید ضمانت اجرایی داشته باشد و توافق به عدم یا تحدید مسئولیت ، ضمانت اجرای مزبور را به طور کلی یا جزیی از بین می‌برد و این امر مغایر نظم عمومی‌است.»[۵] شعبه دوم دیوان تمییز فرانسه در رای ۲۸ اکتبر ۱۹۵٤ در تعیین میزان

۱- -کارگاه: محلی که در آن اجرای عملیات ساختمانی صورت می گیرد.

۲- -تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

۳- - رواقی اردبیلی، سهیل؛ الماسی، نجادعلی؛ میرداداشی، سیدمهدی. (۱۴۰۵). چالش‌ها و راهکارهای جبران کامل خسارات ناشی از کاهش قدرت کار یا از کارافتادگی زیان‌دیده و فقدان سرپرست در حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران/رساله دکتری، به راهنمایی نجادعلی الماسی، به مشاوری سیدمهدی میرداداشی، دانشگاه آزاد اسلامی‌واحد قم.

۴- -«ماده ۳۱۴ قانون مدنی: اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغصوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر اینکه آن زیادتی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب است. »

۵- - صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش. ص ۴۵۵.

غرامت اینگونه آرایی را تایید نموده است که «نظر به اینکه ویژگی مسئولیت مدنی آن است که تا حد ممکن به طور دقیق تعادلی را که بر اثر خسارت وارده بر هم خورده، از نو برقرار کند و زیان‌دیده را به هزینه شخصی مسئول، در وضعی قرار دهد که در صورت عدم وقوع ضرر، آن وضع را داشت»[1].

در یک نظریه مشورتی، اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷. ۹۷۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۲۹ مطالبه مازاد بر دیه را جایز دانسته است. «با توجه به قواعد لاضرر و نفی حرج و قاعده تسبیب، چنانچه محرز شود که در اثر عمل جانی، خسارتی بیش از دیه یا ارش بر مجنی‌علیه وارد شده است، منجمله مخارج معالجه و مداوا، مطالبه آن از جانی که مسبب ورود خسارت بوده است، منع شرعی ندارد و ماده ۱۲ قانون اصلاح و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ نیز موید این نظریه است.»[2] علاوه بر مطالب فوق‌الذکر «در حقوق فرانسه نیز اصل جبران کامل خسارات منجمله زیان‌های ناشی از هزینه‌های پزشکی و دارویی تسری یافته و زیان‌دیده استحقاق دریافت کلیه این هزینه‌ها را دارد.»[3] شاید بتوان نقد اساسی بر تبصره دو ماده ١٤ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان مانعی در جبران کامل خسارات وارد دانست. در همین راستا «هر گاه زیان‌های مزبور از حد معمول بگذرد مشمول دیه نیست و جداگانه قابل جبران خواهد بود»[4]. خوشبختانه در ماده ده قانون بیمه مصوب ۱۳۹۵ نیز ضمن برابری دیه زن و مرد به جبران هزینه‌های مازاد بر دیه، به موضوع این ماده توجه شده است. موضوعی که حقوقدانان با تکیه بر آن، می‌بایستی در راستای احقاق حقوق عامه در تغییر رویه قضایی و فقهی مستخرج از نظرات شورای نگهبان گام بردارند. رویکرد جبران کامل خسارات در ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در مواردی که مازاد بر سقف تعهدات بیمه‌گر باشد نیز قابل مشاهده است. این مباحث[5] در قالب ماده پنج قانون مسئولیت مدنی امری یقینی و حتمی است.

۸. شناسایی مسئولیت مدنی دولت

برای مسئول یا ملزم کردن دولت به جبران خسارات، اعم از آنکه به واسطه بخشی از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، ماده ٢٤ قانون برنامه سوم توسعه و ماده نه قانون برنامه

۱- –همان، ص ۴۹۲.

۲- – میرشکاری، عباس. (۱۴۰۲). رساله عملی در مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی‌انتشار. ص۱۴۶.

۳- – ایزانلو، محسن؛ بادینی، حسن؛ نهرینی، فریدون؛ محمودی مقدم. سیدمصطفی. (۱۳۹۹). نگرشی بر میزان جبران خسارات بدنی با رویکرد مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام ،ایران، فرانسه و انگستان. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۸ (۱)، صص۲۷-۵۴.

۴- – کریمی، عباس؛ بادینی، حسن؛ جواهرکلام، محمدهادی. (۱۴۰۱)، نگرشی انتقادی و تحلیلی بر تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۲ (۲)، صص ۳۶۷-۳۸۷.

۵- –جبران خسارات.

چهارم توسعه بوده باشد یا به واسطه جبران خسارات ناشی از عمل غیر بوسیله مقنن طی قانون جدید به مانند آنچه در راستای افزایش رفاه عمومی ، به موجب اصول ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی و شاید لزوم تاکید بدان بالاخص در تامین بودجه‌های مربوطه لازم و ضروری است. «قانونی بودن منشاء مسئولیت، بیش از هر چیز، برخواسته از منطق حاکمیت قانون به عنوان آموزه هستی‌بخش و هویت‌دهنده حقوق عمومی است، که مسئولیت مدنی دولت، ایجاد نوعی صلاحیت برای دولت یا مقام عمومی است و ایجاد صلاحیت از هر نوع و به هر شکل که باشد، تنها به موجب قانون خواهد بود.»[۱] که «با چنین نگرشی، مسئولیت مدنی حاکمیت در قبال مردم، مفهومی گسترده‌تر می‌یابد. چنانکه تمام خسارات و ضرر و زیان‌هایی که به علت عدم قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح در اداره امور جامعه، فراهم نیاوردن بسترهای مناسب پیشرفت اقتصادی، رفاهی و امنیتی و خلاصه سوءمدیریت، متوجه مردم می‌شود حاکمیت ملزم به جبران آن می‌باشد.»[۲] همچنین «به نظر می‌رسد زمینه جواز پیش‌بینی مسئولیت مدنی دولت در نتیجه زیان‌های ناشی از تقنین، به شرط لحاظ اصل برابری شهروندان مقابل هزینه‌های عمومی، بر احتمال منع آن غلبه دارد.»[۳]

۹. تعریف منابع مالی جبران خسارات

با فرض پذیرش و تحقق جبران خسارات غیرمستقیم به متضرر، شاید منبع مالی آن موضوع بحث باشد. در منابع فقهی از بیت المال، علاوه بر جبران دیه در امور حکومت اسلامی به مانند تامین هزینه‌های جنگ و . . . در دیگر امور مسلمین به مانند تامین خدمتگزار برای هر زمین‌گیر (فلج)، کور و جذامی، مستمری برای معلولان و نابینایان، تامین هزینه رایگان یتیمان، آسایش در راه ماندگان، مستمری برای طلاب و مدرسان علوم و . . . توزیع ده میلیون درهم به آسیب دیدگان آتش سوزی کرخ بغداد توسط عمرو بن عبدالعزیز در سال ۲۲۵ ه. ق (۸۳۹ میلادی) ، پرداخت سه هزار درهم به آسیب دیدگان زلزله مغرب در سال ۲۴۵ ه. ق (۸۵۹ میلادی)[۴] نیز یاد شده است. برخی از فقها، گسترش موارد پرداخت دیه از بیت‌المال را پذیرفته و حتی در مواردی که خود فرد ،

۱- – امامی، محمد؛ زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۶). اصل قانونی بودن مسئولیت مدنی دولت، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ۷ (۴)، ۱۳- ۳۴. و زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت. جلد اول. تهران: انتشارات میزان. ص ۱۸۰.

۲- – ارسطا، محمدجواد؛ ممی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی ناشی از تقنین، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۴۸ (۲)، ۳۱۹-۳۴۲.

۳- – واعظی، سیدمجتبی. (۱۴۰۲). جایگاه عنصر زیان در مسئولیت مدنی دولت، نشریه مطالعات حقوقی، ۱۵(۲)،۱۴۴- ۱۷۱.

۴- – الدجیلی، خوله شاکر .(۱۳۷۹). بیت‌المال، پیدایش و تحولات آن، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ۱۱۷-۱۱۹.

اختیاری در ایراد ضرر به دیگری نداشته، حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال داده اند[1]. همچنین در حدیث منتسب به ثقه الاسلام کلینی [2] ، روایت صحیحه ابوبصیر[3] ، «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»[4]، «المغنی»[5] ، «التاج والإکلیل لمختصر خلیل»[6] ، «المجموع شرح المهذب»[7] نیز به جبران خسارت از بیت المال اشاره شده است. از طرفی علاوه بر بیت‌المال می‌توان با نگاهی بر فلسفه تشکیل صندق تامین خسارت بدنی در قانون بیمه جبرانی خسارات وارد شده به شخص ثالث به این نکته دست یافت که هدف مقنن حمایت کامل از زیان‌دیده به توسط فعل دیگری می‌باشد.

«مسئولیت صندوق تامین خسارت بدنی، از مهم‌ترین مصادیق انعکاس عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در حقوق ایران می‌باشد.»[8] با مطالعه بخش‌هایی از رای وحدت رویه شماره ۷۳٤ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۲ دیوان عالی کشور که «... فلسفه تشکیل صندوق تامین خسارت‌های بدنی حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت‌های وارد شده به آنها از سوی شرکت‌های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آیین نامه اجرایی آن در خصوص نحوه مراجعه زیان دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می‌شود که نظر قانون‌گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده...». حال اینگونه سوال به ذهن متبادر می‌شود که وقتی هدف قانونگذار احترام به جان زیان‌دیده در راستای تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده از صندوق تامین خسارت بدنی بدون لزوم تقدیم دادخواست به طرفیت صندوق تامین در دادگاه جزایی (کیفری) بوده است؛ چرا نباید انتظار داشت و یا اختلاف نظر در رویه دادگاه‌ها در جبران خسارات مازاد دیه یا به توسط زیان رساننده و یا در مقام اعلاء به توسط بیت‌المال که مستلزم اصلاح در قوانین موضوعه کشور است محقق نشود؟

۱۰. تایید ضمنی دولت بر الزام خود به جبران ضرر غیرمستقیم

با آنچه در بخش هشت بدان اشاره گردید، با فرض عدم تعلق مازاد دیه در فقه به استناد

۱- – نجفی اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد. (۱۳۶۴). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جلد ۱۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ص ۲۴۶.

۲- – کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ۱۳۹: ج ۷.

۳- – کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق، ۳۶۵: ج ۷.

۴- – نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۴۹: ج ۴۳.

۵- – مقدسی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۵۳۷: ج ۹.

۶- – اطفیّش، ۱۴۲۳ ه. ق، ۳۱۴: ج ۶.

۷- – نووی، ۱۴۱۷ ه. ق، ۲۸۶: ج ۲۰.

۸- – نصراکن، حجت؛ محمدرضا اوزان، بابک؛ مولایی، یوسف (۱۳۹۸). بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی. مجله تحقیقات حقوق بین المللی. ۴۵ (۳)، ۳۱۱-۳۳۷.

استدلال برخی فقهاء، منشعب از فضای اجتماعی-اقتصادی بسته قرون گذشته که منطبق با شرایط فعلی نبوده است چگونه می‌توان انتظار داشت دولت در راستای رعایت وضعیت اقتصادی بازماندگان به مانند حوادث ناشی از انفجار معدن طبس در سال ۱۴۰۳ ، پرونده موسوم به بیماران هموفیلی و ... اقدام به جبران خساراتی نموده باشد.؟ این پرداخت بالطبع از منابع عمومی دولت که از بودجه عمومی‌کشور تامین می‌شود پرداخت گردیده است. در صورتیکه باید مد نظر داشت هر گونه پرداخت خارج از ضوابط و آنچه در بودجه عمومی‌کشور لحاظ شده است از مصادیق تخلف و مجوز ورود دیوان محاسابات کل کشور و یا سازمان بازرسی کل کشور را سبب خواهد شد. پس می‌توان نتیجه گرفت که اینگونه پرداخت‌ها در راستای مصالح عمومی‌کشور منطبق بر ضوابط یا مصلحت‌اندیشی بوده است. گواه این مطلب تامین ۵۰٪ هزینه تامین مسکن بازماندگان انفجار معدن طبس در سال۱۴۰۳ توسط دولت بعلاوه شروع اقساط ماهانه دو میلیون تومان از سال سوم در طرح نهضت ملی مسکن از مواردی است که علیرغم عدم مسئولیت دولت، نشانگر توجه به موضوع جبران خسارت با تاکید بر جبران ناشی از سببیت (ضرر) غیرمستقیم است[1] . در دو بخش آتی، به مطالعه آثار ناشی از این زیان‌ها در برخی کشورها پرداخته می‌شود.

۱۱. مطالعه نحوه تعلق و جبران خسارات در حقوق فرانسه و انگلستان

میزان غرامت تعیینی توسط دادگاه، می‌بایست بر مبنای تاثیر یا نسبت ضرر وارد شده بر زیان‌دیده تعیین شود نه به واسطه تقصیری که زیان رساننده مرتکب گردیده است. زیرا ممکن است نسبت نامتعادلی در این رابطه وجود داشته باشد. برای مثال در پرتاب سنگ به شیشه ساختمانی توسط فرد، صرف شکستن شیشه ملاک جبران خسارت نمی‌باشد بلکه ممکن است در زیر پنجره فردی از اهالی ساختمان دچار مرگ ناشی از اصابت شیشه یا نقص عضو بشود.

اصل تناسب غرامت با خسارت و تعیین میزان غرامت بر اساس اهمیت خسارت وارده، از طرف شعبه دوم دیوان تمییز فرانسه طبق رایی در ۲۸ اکتبر ۱۹۵٤ بدین ترتیب مقرر گردیده است : «نظر به اینکه ویژگی مسئولیت مدنی آن است که تا حد ممکن بطور دقیق، تعادلی را که بر اثر خسارت وارده بر هم خورده، از نو برقرار کند و زیان‌دیده را به هزینه شخص مسئول ، در وضعی قرار دهد که در صورت عدم وقوع ضرر، آن وضع

۱- – رواقی اردبیلی، سهیل؛ الماسی، نجادعلی؛ میرداداشی، سیدمهدی. (۱۴۰۵). چالش‌ها و راهکارهای جبران کامل خسارات ناشی از کاهش قدرت کار یا از کارافتادگی زیان‌دیده و فقدان سرپرست در حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران/رساله دکتری، به راهنمایی نجادعلی الماسی، به مشاوری سیدمهدی میرداداشی، دانشگاه آزاد اسلامی‌واحد قم.

را می‌داشت»[1] . از سویی دیگر، افزایش میزان جبران خسارت زیان‌دیده به مقدار بیش از حالت قبل مورد تایید دیوان تمییز فرانسه نیز قرار دارد . موضوعی که در رویه حقوق انگلستان[2] مورد تایید نبوده و تلاش می‌شود تا غرامت کمتر یا بیشتر از خسارت وارد شده نباشد.[3]

۱۲. بررسی الگوهای نوین جبران خسارات حاکمیتی در نظام‌های حقوقی منتخب

هدف از این بخش، ارائه تحلیل تطبیقی مستقل نیست، بلکه بهره‌گیری گزینشی از تجارب بین‌المللی در راستای تقویت بحث اصلی مقاله است. هرچند در مطالعات حقوقی ایران، قوانین و آرای صریح و منسجمی در خصوص حمایت گسترده از خانواده‌های ازکارافتادگان ناشی از نقص عضو یا فوت، جز در قالب‌هایی محدود مانند پرداخت مستمری، کمتر مشاهده می‌شود، با این حال بررسی آثار ناشی از این‌گونه خسارات در سایر کشورها می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به راهکارهایی برای توسعه و تقویت حمایت از این اقشار و بازماندگان آنان باشد.

بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت در ساختارهای حقوقی، گرایش تقریبا مشابه و مشترکی به سمت مداخله دولت در جبران خسارات فراتر از زیان مستقیم به جهت افزایش رفاه عمومی وجود دارد. در بسیاری از این نظام‌ها، استفاده از ساز و کارهای مالی عمومی به‌عنوان مکمل مسئولیت مدنی سنتی، نقش مهمی در کاهش آثار اقتصادی و اجتماعی زیان ایفا می‌کند.

این تجارب مؤید آن است که نظام حقوقی ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از رویکردهای مشابه و متناسب با شرایط داخلی، به‌ویژه از طریق ایجاد یا توسعه نهادهای مالی عمومی، در جهت جبران مؤثرتر ضررهای غیرمستقیم گام بردارد. در این میان، مطالعه این کشورها نه به‌عنوان الگوی تقلیدی، بلکه به مثابه منبعی برای الهام در اصلاح و تکمیل چارچوب‌های بومی قابل ارزیابی است.

۱۲-۱. بررسی تأثیر آسیب‌های شغلی قابل جبران بر خانواده‌های کارگران در استرالیا و کانادا

۱- – صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش. ص ۴۹۲.

۲- –در حقوق انگلستان گفته شده است که اصل جبران کامل خسارت اقتضاء می کند زیان‌دیده نباید با پرداخت غرامت در وضعیت بهتری قرار گیرد و از وقوع حادثه دارا شود. (همان، ص ۵۴۴).

۳- – همان، صص ۴۹۳، ۵۴۱، ۵۴۴.

این مقاله به بررسی تأثیر آسیب‌های شغلی قابل جبران بر خانواده‌های کارگران در استرالیا و کانادا می‌پردازد. نویسندگان با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اعضای خانواده، نشان می‌دهند که آسیب شغلی نه تنها بر وضعیت مالی بلکه بر روابط خانوادگی، سلامت روان، و نقش‌های مراقبتی تأثیر می‌گذارد. خانواده‌ها اغلب در فرآیند درمان و بازتوانی نقش فعالی دارند، اما نظام‌های جبران خسارت به ندرت نیازهای آنان را در نظر می‌گیرند.

جامعه آماری این مقاله، شامل ۲۵ خانواده از دو کشور (استرالیا و کانادا) بود که یکی از اعضای خانواده دچار آسیب شغلی قابل جبران شده بود. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های کیفی جمع‌آوری شدند. در نهایت نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که نظام‌های جبران خسارت باید ارزیابی منظم از نیازهای خانواده‌ها داشته باشند و خدماتی مانند مشاوره، آموزش مراقبت، و حمایت مالی برای اعضای خانواده ارائه دهند. مشارکت خانواده در فرآیند بازتوانی باید به عنوان بخشی از سیاست‌های رسمی‌در نظر گرفته شود.[1]

این یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران نیز توجه به نقش خانواده در جبران خسارات غیرمستقیم می‌تواند در طراحی سیاست‌های حمایتی دولت مورد توجه قرار گیرد.

۱۲-۲. نحوه جبران خسارت در تامین مسکن برای بازماندگان ناشی از حوادث کار در فرانسه

در این مقاله، نویسندگان با بررسی تناقض میان وجود «حق قانونی مسکن» در قوانین اروپایی و واقعیت اجتماعی بی‌خانمانی در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی با تمرکز بر قانون DALO فرانسه (حق قابل اجرا برای مسکن)، نشان می‌دهند که با وجود امکان اقامه دعوی علیه دولت در صورت عدم تأمین مسکن، در عمل خانواده‌های آسیب‌پذیر از جمله بازماندگان حوادث کاری یا تصادف همچنان با بی‌خانمانی، کمبود منابع، و ناکارآمدی اجرایی مواجه‌اند. مقاله همچنین مدل‌های جایگزین مانند «Housing First» را بررسی می‌کند که ابتدا مسکن دائم را بدون پیش‌شرط در اختیار افراد بی‌خانمان قرار می‌دهد و سپس خدمات حمایتی ارائه می‌شود. نویسندگان تأکید دارند که موفقیت این مدل در کشورهایی مانند فنلاند، بیشتر به دلیل تعهد سیاسی و مالی دولت بوده تا اتکای صرف به حقوق قابل اجرا.

1- - Kosny, A. , Newnam, S. , & Collie, A. (2017). Family matters: Compensable injury and the effect on family. Disability and Rehabilitation.

جامعه آماری بر اساس تحلیل سیاست‌های اجرایی فرانسه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ انجام شده و با بررسی ۱۲۰ خانواده بی‌خانمان در شهرهای مارسی و پاریس، و مرور گزارش‌های رسمی‌کمیته عالی مسکن افراد محروم[1] تکمیل شده است. قانون DALO از سال ۲۰۰۷ امکان اقامه دعوی علیه دولت را فراهم کرده، اما در عمل با موانع اجرایی، کمبود منابع و تأخیر در تخصیص مسکن مواجه است خانوادههای آسیب‌پذیر، از جمله بازماندگان حوادث، در اولویت تخصیص مسکن قرار نمی‌گیرند. مدل Housing First در فنلاند موفق بوده، اما نه به دلیل حقوق قابل اجرا، بلکه به دلیل تعهد مالی و سیاسی دولت در اسکاتلند، حذف ارزیابی «نیاز اولویت‌دار» باعث افزایش دسترسی به مسکن شده است. نویسندگان تأکید دارند که حقوق قانونی بدون اراده اجرایی، ناکافی است.[2] نتایج یافته‌های فوق نشان می‌دهد در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با حمایت‌های غیرمالی دولت در ایران، به‌ویژه در حوزه مسکن بازماندگان، قابل تأمل باشد.

۱۲-۳. بررسی جبران خسارات در آسیب شغلی در ایالت متحده آمریکا

این مقاله به بررسی ارتباط میان آسیب‌های شغلی و بی‌ثباتی مسکن در ایالات متحده می‌پردازد. نویسنده با تحلیل داده‌های پیمایشی و مصاحبه‌های عمیق با کارگران آسیب‌دیده، نشان می‌دهد که پس از وقوع حادثه، بسیاری از خانوادهها با کاهش درآمد، افزایش بدهی، و خطر بی‌خانمانی مواجه می‌شوند.

نظام جبران خسارت[3] در برخی ایالت‌ها شامل کمک هزینه اجاره، پرداخت بدهی‌های مسکن، یا معرفی به برنامه‌های حمایتی[4] است. اما در عمل، این حمایت‌ها به ندرت فعال می‌شوند، مگر اینکه کارگر یا خانواده وی به‌طور خاص درخواست کنند. مقاله تأکید دارد که نبود هماهنگی میان نهادهای بیمه‌ای، خدمات اجتماعی، و نهادهای مسکن باعث شده تا خانوادههای آسیب‌دیده از حمایت کافی برخوردار نباشند. جامعه آماری شامل ۳۲۵ کارگر آسیب‌دیده در ۵ ایالت آمریکا ، ٦٥ مصاحبه دقیق با خانوادههای دچار بحران مسکن ، داده‌های تکمیلی از HUD & FEMA و دفاتر بیمه ایالتی می‌باشد. نهایتا نویسنده نتیجه می‌گیرد که نظام جبران خسارت باید فراتر از پرداخت مستمری عمل کند و شامل حمایت‌های مسکن، مشاوره مالی، و خدمات اجتماعی برای خانوادههای آسیب‌دیده باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که دولت فدرال چارچوبی یکپارچه برای

1- - HCLPD.
2- - Taylor, O. , Loubière, S. , & Auquier, P. (2020). Homelessness, housing first, and the right to housing—Confronting right and reality. Human Rights Review, 21, Pages: 373–389.
3- - Workers' Compensation.
4- - HUD & FEMA.

اتصال بیمه‌های کاری با خدمات مسکن طراحی کند تا از بی‌خانمانی پس از حادثه جلوگیری شود.[1]

آنچه از مطالب این بخش می‌توان نتیجه گرفت این است که هر چند دغدغه حمایت از بازماندگان آسیب دیدگان حوادث ناشی از کار یا به هر دلیل ناشی از مسئولیت فردی افراد در جامعه برای کشورها تعریف شده است ولی احتمالا به دلیل توزیع ناعادلانه ثروت یا محدودیت‌های ناشی از ابزارهای مالی دولت، بطور کامل این حمایت را پوشش نمی‌دهند. در این راستا روش‌هایی نیز در جهت توزیع ضرر در حمایت از زیان‌دیدگان در مکاتب غربی ایجاد شده است . این رویکرد بیانگر ضرورت هماهنگی میان نهادهای مختلف حمایتی در ایران جهت جبران مؤثر خسارات غیرمستقیم است.

۱۳. الگوی پیشنهادی جبران خسارات غیرمستقیم در حقوق ایران

نظام حقوقی ایران می‌تواند در راستای تکمیل کارکرد مسئولیت مدنی، به سمت طراحی یک الگوی ترکیبی میان مسئولیت مدنی کلاسیک و مداخلات مالی دولت حرکت کند. در این چارچوب، جبران خسارات غیرمستقیم نه صرفاً در قالب رابطه مستقیم میان زیان‌زننده و زیان‌دیده، بلکه در قالب یک ساز و کار نهادی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی دولت قابل تنظیم است. در این راستا، ایجاد یک نهاد مستقل یا شبه‌مستقل تحت عنوان «صندوق جبران خسارات غیرمستقیم» قابل پیشنهاد است؛ صندوقی که با هدف پوشش خساراتی تشکیل می‌شود که در نظام سنتی مسئولیت مدنی قابلیت انتساب یا جبران کامل ندارند. منابع مالی این صندوق می‌تواند از محل بیت‌المال، بودجه‌های عمومی هدفمند یا ساز و کارهای بیمه‌ای تأمین گردد. همچنین، تعیین دامنه خسارات قابل جبران باید بر اساس معیارهای مشخصی مانند فوت، نقص عضو، کاهش قدرت کار یا تحمیل هزینه‌های غیرمتعارف به بازماندگان صورت گیرد. این الگو ضمن حفظ ساختار مسئولیت مدنی، امکان گذار به یک رویکرد عدالت‌محور توزیعی را فراهم می‌سازد که در آن جبران خسارت، ماهیتی نهادی و اجتماعی پیدا می‌کند.

1- - Bell, J. L. (2023). The role of workers' compensation in addressing housing insecurity after occupational injury. Journal of Occupational Health Psychology, 28(1), Pages: 45–62.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی نظری و یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که نگاه سنتی به قانون مسئولیت مدنی، به‌تنهایی ظرفیت پاسخگویی کامل به پیچیدگی‌های نوین زیان را ندارد. تحول در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی موجب شده است که دامنه آثار زیان، فراتر از رابطه مستقیم میان عامل زیان و زیان‌دیده گسترش یافته و پیامدهای آن، به اشخاص ثالث و لایه‌های مختلف اجتماعی تسری پیدا کند. در چنین شرایطی، اصرار بر الگوهای محدودکننده در شناسایی و جبران خسارت، می‌تواند به نادیده‌گرفتن بخش قابل توجهی از واقعیت‌های زیان‌بار منجر شود.

در همین راستا، مطالعه و یافته‌های برخی نظام‌های حقوقی منتخب، از جمله تجربه کشورهایی که از صندوق‌های عمومی و ساز و کارهای حمایتی دولتی استفاده می‌کنند نشان می‌دهد جبران خسارات فراتر از زیان مستقیم، امری پذیرفته شده و عملی است. بر این اساس، پاسخ به مسئله اصلی تحقیق آن است که جبران ضرر غیرمستقیم، در صورت طراحی ساز و کارهای نهادی مناسب، نه‌تنها ممکن، بلکه از منظر کارکردی و عدالت‌محور، ضروری است. مداخله دولت از طریق ایجاد یا تقویت منابع مالی هدفمند، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مکمل در کنار مسئولیت مدنی کلاسیک، خلأهای موجود در جبران خسارت را پوشش دهد و از انتقال نامتوازن بار زیان به زیان‌دیدگان جلوگیری کند. نوآوری این پژوهش در طرح یک الگوی مفهومی برای پیوند میان مسئولیت مدنی و سیاست‌های مالی عمومی است؛ به‌گونه‌ای که جبران خسارت صرفاً به روابط خصوصی میان اشخاص محدود نماند، بلکه در قالب یک رویکرد نهادی و مبتنی بر همبستگی اجتماعی، بازتعریف شود. این رویکرد، امکان توزیع عادلانه‌تر ریسک‌های اجتماعی و کاهش پیامدهای ثانویه زیان را فراهم می‌آورد و می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اقتصادی باشد. با وجود این، تحقق عملی چنین الگویی با چالش‌هایی مواجه است؛ از جمله ابهام در تعیین حدود مسئولیت دولت، محدودیت منابع مالی عمومی، و ضرورت ایجاد توازن میان کارایی اقتصادی و الزامات عدالت توزیعی. همچنین، نبود داده‌های تجربی کافی درباره آثار بلندمدت مداخله‌های مالی دولت در این حوزه، ارزیابی دقیق پیامدهای اجرایی این رویکرد را با دشواری همراه می‌سازد. بر این مبنا، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به طراحی مدل‌های عملیاتی برای تأمین مالی جبران خسارات غیرمستقیم، ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی این مداخلات، و نیز تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی در این زمینه، به‌انضمام بررسی سازوکارهای حکمرانی مطلوب در مدیریت این منابع و تعیین معیارهای شفاف برای شناسایی مصادیق ضرر غیرمستقیم، بپردازد؛ امری که می‌تواند به ارتقاء کارآمدی و مشروعیت این نظام‌ها کمک نماید.

Extended Abstract

Civil liability is primarily aimed at full compensation of damage and restoring the injured party to the position they would have occupied had the harm not occurred. However, in practice, restrictive interpretations of legal rules—particularly in relation to causation—have limited the effective realization of this objective. One of the most significant shortcomings of contemporary civil liability systems is the insufficient recognition and compensation of indirect damages. These losses, although often substantial in economic and social terms, remain inadequately addressed in judicial practice due to doctrinal and evidentiary constraints.In Iranian legal doctrine, despite the formal recognition of material and moral damages, compensation for indirect loss is frequently restricted by narrow interpretations of statutory provisions and difficulties in establishing causation. At the same time, Islamic jurisprudential principles such as la darar (no harm), causation (taseeb), and the prohibition of undue hardship provide theoretical support for a broader compensatory approach. Comparative legal analysis further demonstrates that several legal systems have developed complementary mechanisms—particularly state-funded compensation schemes and public financial funds—to address gaps left by traditional tort liability.This study examines the feasibility of compensating indirect damages through the design and implementation of public financial resources. Using a doctrinal and comparative methodology, it analyzes the conceptual foundations of indirect harm, the challenges of causal attribution, and the role of state intervention in ensuring more comprehensive compensation. The findings suggest that exclusive reliance on traditional civil liability is insufficient to address the complexities of modern harm. Instead, integrating public compensation mechanisms alongside civil liability can enhance distributive justice, improve social protection, and ensure a more equitable allocation of losses.The study ultimately proposes a hybrid model combining civil liability and public financial support systems as a more effective framework for addressing indirect damages within the Iranian legal context.

منابع

-قرآن.

منابع فارسی :

۱-ارسطا، محمدجواد؛ ممی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی ناشی از تقنین، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ٤٨ (۲)، ۳۱۹-۳٤۲ .

۲-الدجیلی، خوله شاکر. (۱۳۷۹). بیت‌المال، پیدایش و تحولات آن، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۳-امامی، محمد؛ زرگوش، مشتاق. (۱۳۸٦). اصل قانونی بودن مسئولیت مدنی دولت، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ۷ (٤)، ۱۳- ۳٤.

٤-ایزانلو، محسن؛ بادینی، حسن؛ نهرینی، فریدون؛ محمودی مقدم. سیدمصطفی. (۱۳۹۹). نگرشی بر میزان جبران خسارات بدنی با رویکرد مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، فرانسه و انگستان، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۸ (۱) ، ۲۷-٥٤.

٥-جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۰). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.

٦-جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹٥). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلدهای ۲، ٤، ٥. تهران: انتشارات گنج دانش.

۷-رواقی اردبیلی، سهیل؛ الماسی، نجادعلی؛ میرداداشی، سیدمهدی. (۱٤۰٥). چالش‌ها و راهکارهای جبران کامل خسارات ناشی از کاهش قدرت کار یا از کارافتادگی زیان‌دیده و فقدان سرپرست در حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران/رساله دکتری، به راهنمایی نجادعلی الماسی، به مشاوری سیدمهدی میرداداشی، دانشگاه آزاد اسلامی‌واحد قم.

۸-زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت، جلد اول. تهران: انتشارات میزان.

۹-صادقی زاده، امیر ؛ مقدم، علی. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی ناشی از فوت منافع ممکن‌الحصول. مجله تحقیقات حقوق بین المللی. ۱۱ (۲): ۳۲۹-۳٥۲.
https://sanad. iau. ir/fa/Article/1059627

۱۰-صفایی. سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.

۱۱-عمید، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۲-کریمی، عباس؛ بادینی، حسن؛ جواهرکلام، محمدهادی. (۱٤۰۱)، نگرشی انتقادی و تحلیلی بر تبصره ۲ ماده ۱٤ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات حقوق

خصوصی، ۵۲(۲)، ۳۶۷-۳۸۷.
https://jlq. ut. ac. ir/article_86605. html

۱۳-محمدی، ابوالحسن. (۱۳۹۶). مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴-مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری. (۱۴۰۳). عدم‌النفع و شروط سه‌گانه مرتبط با تحقق آن. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۱۵-مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۶). آموزش فلسفه، جلد ۲. تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل.
۱۶-میرشکاری، عباس. (۱۴۰۲). رساله عملی در مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی‌انتشار.
۱۷-نصراکن، حجت؛ محمدرضا اوزان، بابک؛ مولایی، یوسف. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی. مجله تحقیقات حقوق بین المللی. ۴۵ (۳): ۳۱۱-۳۳۷
https://sanad. iau. ir/fa/Article/1059623

۱۸-واعظی، سیدمجتبی (۱۴۰۲). جایگاه عنصر زیان در مسئولیت مدنی دولت، نشریه مطالعات حقوقی، ۱۵(۲)،۱۴۴- ۱۷۱.

منابع عربی:
۱۹-اطفیّش، محمد بن یوسف. (۱۴۲۳). التاج والإکلیل لمختصر خلیل، جلد ۶، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.
۲۰-امام نووی. (۱۴۱۷ ه. ق). المجموع شرح المهذب، جلد ۲۰، بیروت: انتشارات دارالفکر.
۲۱-کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ه. ق). الکافی، جلد هفتم، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۲۲-مقدسی، ابن قدامه. (۱۴۰۵ ه. ق). المغنی، جلد ۹، بیروت: انتشارات دارالفکر.
۲۳-نجفی اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد. (۱۳۶۴). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جلد ۱۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴-نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۴۰۴ ه. ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

منابع انگلیسی:

25 -Bell, J. L. (2023). The role of workers' compensation in addressing housing insecurity after occupational injury. Journal of Occupational Health Psychology, 28(1), Pages: 45–62.

26 -Kosny, A. , Newnam, S. , & Collie, A. (2017). Family matters: Compensable injury and the effect on family. Disability and Rehabilitation.

27 -Taylor, O. , Loubière, S. , & Auquier, P. (2020). Homelessness, housing first, and the right to housing—Confronting right and reality. Human Rights Review, 21, Pages: 373–389.